

متن پرسش

سلام علیکم: خدا قوت. استاد بنده طلبه ای ۲۳ ساله و در حال شروع پایه ۶ حوزه هستم و برنامه مطالعاتی ام اینگونه بود که دروس حوزه را اصل قرار داده بودم و دنبال می کردم و در کنار حوزه دانشگاه را به طور غیر حضوری، تنها و صرفاً با پاس کردن واحد ادامه می دادم (رشته علوم قرآن و حدیث) برای مطالعات غیر درسی هم سیر مطالعاتی شما را دنبال می کردم و قصد داشتم پس از آن سیر مطالعاتی شهید مطهری را بخوانم. تا اینکه چندی پیش با یکی از علماء راجع به برنامه ریزی ام مشورت کردم و ایشان گفتند که: «همت اصلی دروس حوزه باشد و دروس را هم با هفت مرحله ای که شهید ثانی علیه الرحمه گفتند بخوان (پیش مطالعه، پیش مباحثه، درس، پس مطالعه، پس مباحثه، خلاصه برداری و درس دادن) و گرنه خودت را فریب داده ای و به فقاقت نمیرسی ... در دانشگاه فقط واحد پاس کن چون ارزش بیش از آن ندارد ... و درباره مطالعه غیر درسی هم گفتند آبخور جنابعالی و شهید مطهری و ... همه قرآن و حدیث است پس شما در هر بین الطوعین یک آیه قرآن را حفظ کن و تفسیر آن را فعلاً از یک تفسیر روان مثل نمونه بخوان و خلاصه اش را روی برگه ای بنویس و در جیب بگذار. تا شب ذکر منطوق آیه و فکرت مفهوم آیه باشد و هر جا توانستی برگه را بیرون بیاور و تفکر کن. شب ها هم قبل از خواب آنچه بر ذهنت ترشح کرده با این پیش فرض که تفسیر به رأی نیست در پشت برگه بنویس و ... ضمن اینکه من هر سه ماه یکبار یادداشتهایم را به ایشان نشان دهم تا مطالعه کنند» ایشان گفتند اگر این برنامه را انجام دهی یوم الحسره را درک نخواهی کرد و ... من بعد از دو هفته تفکر روی این برنامه قصد داشتم آن را انجام دهم که یکی از رفقا که بنده را بیشتر می شناسند گفتند: آیا آن عالم این دستورات را بر اساس عین ثابته تو داده اند یا در کشفی غیبی فهمیده اند یا اینکه یک تجربه است؟ و حرفهایی زدند که شاید این برنامه مطابق با زندگی و شرایط تو نباشد و این برنامه برای خودشان که پدرشان آیت الله بوده و لقمه و نطفه و زندگی متفاوت داشته اند اینقدر خوب جواب داده و شاید برای تو جواب ندهد و بعد از بیست سال دستت خالی باشد ... و من نزدیک دو هفته است که گویی له شده ام، از درس و زندگی افتاده ام. فکر به این موضوع به من تپش قلب و اضطراب و دلشوره می دهد، نمی دانم چه کار کنم؟ نه خودم را از تفکر جنابعالی و شهید مطهری بی نیاز می بینم و نه می توانم از آن جمله بسیار سنگین آن عالم بگذرم که گفتند یوم الحسره را درک نمی کنی... ناگفته هم نماند که طبق گفته همان عالم و آنچه از شما یاد گرفته ام قصد داشتم دروس معقول را بعد از گذراندن سطوح حوزه شروع کنم ... استاد این تشنّت آراء باعث شده من به هر نظری بدبین شوم و بترسم که حرف کسی را گوش بدهم؛ از کجا که اگر روشی را

انتخاب کنم و بروم در آینده غبطه بیش از آن را نخواهم خورد؟ از کجا که در سلوک در راه امام خمینی (رحمه الله علیه) چه روشی مطابق با عین ثابتۀ بنده است؟ علامه حسن زاده (روحی فداه) بودند که گفتند مطابق عین ثابتۀ ام از امام رضا (علیه السلام) علم خواستم، من کور باطن که در عیوب ظاهری ام هم مانده ام تا چه رسد دیدن عین ثابتۀ ام تا مطابق آن برنامه بریزم. خود شما هم در سوال ۴۲۱۵ عرض کردید «تنها آن‌هایی تا آخر در این راه‌ها می‌مانند که از کمتر از اُنس با عین ثابتۀ خود قانع نباشند». هر رفیق و استادی آن روشی را در این مسیر پیشنهاد می‌کند که خودش رفته ... کتاب ادب خیال را خوانده بودم، مرور هم کردم اما نتیجه نگرفتم. استاد چه کار کنم؟ کمک کنید. (با اینکه آنچه اندر دل بود / اظهار آن مشکل بود) اما بابت طولانی شدن کلام حلالم کنید. یاحسین علیه السلام

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مگر نشنیده اید که طریق الی الله به عدد انفاس خلایق است، پس چرا نگران هستیید؟ مطمئن باشید همه ی راه‌هایی که در ذیل اسلام و فرهنگ اهل البیت «علیهم السلام» مطرح است به قرب الهی ختم می‌شود، زیرا همه ی این راه‌ها می‌خواهند ما را از امور جزئی آزاد کنند و به حقیقت کلی خودمان که عین ثابتۀ ی ما است برسانند. موفق باشید